

منع سوء استفاده از حق در نظریه‌های حقوقی و مفاهیم قرآنی*

دکتر سیامک ره‌پیک

استادیار دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری

چکیده

مسئولیت ناشی از سوء استفاده از حق، بخشی از مباحث به مسئولیتها را به خود اختصاص داده است. این بحث در قالب نظریه‌ها در نظامهای حقوقی و کشورهای مختلف مورد توجه قرار گرفته است. این نوع مسئولیت در حقوق ایران نیز شناسایی شده است. در حقوق اسلام، قواعدی وجود دارد که مفاد آن با موضوع سوء استفاده از حق قابل مقایسه است. قاعده لا ضرر، از جمله قواعدی است که در این زمینه طرح گردیده است. اگر چه در بحث سوء استفاده از حق و منع اضرار به آیه‌های قرآن کمتر توجه شده، اما به نظر می‌رسد آیه‌های مختلف قرآن با مبانی گوناگونی مانند منع اضرار و اصل رعایت حسن نیت در اجرای حقوق و تعهدها، اصول شفافیت را در موضوع سوء استفاده از حق ارائه می‌کند.

* - تاریخ وصول: ۸۲/۱/۳۰ ؛ تاریخ تصویب نهایی: ۸۳/۱/۲۵

کلیدواژه‌ها: سوء استفاده، حق، اضرار، حسن نیت، حقوق اسلام.

درآمد

موضوع مسئولیت و جبران خسارتها، از مسائل مهم و اساسی نظامهای حقوقی است و نظریه‌های متنوع و گوناگونی در طول تاریخ حقوق در این زمینه مطرح و بررسی شده است. مبانی و اسباب ایجاد مسئولیت با توجه به شرایط مختلف مورد بحث قرار می‌گیرد. برخی از مسئولیتها بر اساس مبنای تقصیر شکل می‌گیرند و برخی دیگر بدون تقصیر، که این نوع مسئولیت نیز خود می‌تواند به اقسام دیگری تقسیم شود.

در بسیاری از موارد، منشأ ایجاد مسئولیت، نامشروع بودن نفس عملی است که با ضرر ارتباط دارد. به عبارت دیگر، صاحب عمل، حق انجام دادن آن عمل را نداشته است لذا با انجام آن، شرط اصلی ایجاد مسئولیت را به وجود آورده است.

اما این سؤال نیز قابل طرح است که در صورت داشتن حق مشروع، چگونگی استفاده و به کار بردن آن حق نیز می‌تواند شخص را به دایره مسئولیتها وارد کند یا خیر؟ به طور مثال، آیا مالک یک مال در چگونگی استفاده از حق مالکیت خود محدودیتی دارد و آیا ممکن است در برخی از موارد مالک را به جهت نوع استفاده از حق مالکیت مسئول دانست؟

این نوع مسئولیت معمولاً تحت عنوان «سوء استفاده از حق» مطرح می‌شود. در حقوق فرانسه از عبارت ABUS DE DROITS، در حقوق کامن لا و بطور کلی زبان انگلیسی از عنوان ABUSE OF RIGHTS استفاده می‌شود و در نزد حقوقدانان عرب از این قاعده با عبارت «التعسف فی استعمال الحق» یاد می‌شود.^۱

در حقوق جدید، این اصطلاح در حقوق اروپایی و در کشورهای رومی - ژرمنی

۱. در مورد کاربرد اصطلاحات، به منابع بعدی مراجعه شود.

تأسیس و شایع شده و در کشورهای دارای نظام کامن‌لا، این اصطلاح و مفهوم آن مطابق با سیستم رومی ژرمنی طرح نشده است (واکر، ص ۷).

برخی از مصادیق این قاعده در حقوق رُم قدیم نیز مطرح شده است؛ چنانکه از قول اولین نقل می‌شود که گفته است: «اگر کسی چاهی حفر کند و آن قدر پایین رود تا ریشه‌های چشمه خشک شود، مسئول نیست؛ ولی اگر عمیق کردن چاه طوری باشد که عرفاً دیوار همسایه سقوط می‌کند، مسئول است.» (سنهوری، ۸۳۵/۱)

حقوق قدیم فرانسه این موضوع را شناسایی کرده بود، اما در مقطع خاصی از تاریخ حقوق این کشور این قاعده تا حدی مسکوت ماند و پس از آن در ابتدای قرن بیستم دوباره این قاعده مورد توجه قرار گرفت (همان، ۸۳۸/۱).

این مسئله در قوانین بسیاری از کشورهای اروپایی نیز مطرح شده است (بار، ۵۵/۱). در حقوق کامن‌لا به این اصل به عنوان یک قاعده کلی توجه چندانی نشده است، بلکه برخی از عناوین جزئی مانند سوء استفاده از قدرت بیشتر مورد توجه قرار گرفته است (واکر، ص ۷). در حقوق ایران نیز اگرچه مسئله دقیقاً به شکل یک نظریه کامل مطرح نشده اما مفهوم و شرایط کلی آن در برخی از قوانین (مانند اصل ۴۰ قانون اساسی و ماده ۱۳۲ قانون مدنی) بیان شده است.^۱

این مسئله از نظر قواعد فقهی نیز قابل بحث است و شاید نزدیک‌ترین قاعده به اصل منع سوء استفاده از حق، قاعده لا ضرر باشد که به طور مفصل مورد عنایت و توجه فقها قرار گرفته است. البته، به نظر می‌رسد صرف نظر از اختلاف نظرهای متعدد

۱. در کتابهای مختلف حقوق مدنی و مسئولیت مدنی، به مناسبت بحثهایی در این مورد مطرح شده است. برای ملاحظه یک تحقیق مستقل در مورد این قاعده و تطبیق آن با قاعده لا ضرر، رک: حمید احمدی بهرامی، *سوء استفاده از حق*، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۶۶.

در بیان قاعده و محل جریان آن، بطور کلی مفهوم لا ضرر عام‌تر از منع سوء استفاده از حق باشد (کاتوزیان، صص ۲۰۱ - ۲۲۰). اگر چه پاره‌ای از روایتها مستند اصلی قاعده لا ضرر قرار گرفته‌اند، اما به نظر می‌رسد ریشه‌ها و مبانی نظری این قاعده و موضوع سوء استفاده از حق در آیه‌ها و مفاهیم قرآنی قابل جستجو و بررسی باشد.

مفهوم و مصادیق قاعده

امروزه استفاده از قاعده «سوء استفاده از حق» در حوزه‌های مختلف حقوقی بخصوص حقوق قراردادها، خانواده، حقوق بشر، حقوق کار و فناوری اطلاعات مطرح شده است (بل و دیگران، صص ۳۰۸ و ۳۶۴ - ۳۶۵؛ بار، ۵۶/۱).

محل جریان این قاعده در جایی است که در هدف اجرای حقوق اخلال ایجاد می‌شود. برخی از حقوقدانان معتقد بودند که بین حق نامشروع و حق مشروع مرزی وجود ندارد، لذا سوء استفاده از حق در واقع همان حق نامشروع است و نباید بجز عدم مشروعیت حق، چیز دیگری را تصور کرد (سنهوری، ۸۳۸/۱). در حالی که می‌توان گفت در این مورد، نفس حق مشروع است اما جهت استفاده از آن و چگونگی استعمال آن، خارج از اغراض مشروع حقوقی است.

مهمترین مصداق این قاعده، حالتی است که هدف اصلی صاحب حق، استفاده از آن به هدف اضرار غیر می‌باشد (واکر، ص ۷). البته، ممکن است در این حالت، اغراض فرعی مشروعی نیز وجود داشته باشد؛ ولی هدف مسلط و عمده، ضرر زدن به دیگری است. بطور مثال، کسی در زمین خود چاهی را حفر کند تا آب زیرزمینی همسایه‌اش را استخراج کند (همان، ص ۷)، یا دیواری را در زمین خود بنا می‌کند که هدف اصلی آن است که مانع استفاده از نور یا هوا برای همسایه است (فرج، ص ۳۸۱).

اصل ۴۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز در بیان این مصداق چنین می‌گوید:
«هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار غیر یا تجاوز به منافع

عمومی قرار دهد.»

مصادق دیگر این قاعده در جایی مطرح می‌شود که استفاده از حق، با مصالح اجتماعی مورد نظر آن حق مغایر باشد. این رفتار در واقع نوعی تقصیر و خطا تلقی شده است که می‌تواند مبنای مسئولیت قرار گیرد. به همین دلیل، دادگاههای فرانسه این قاعده را در سه حالت زیر قابل جریان می‌دانند، اگر چه با توجه به شرایط و اوضاع احوال، در هر مورد به یک یا چند حالت استناد کرده‌اند:

۱. شخص در اجرای حق مرتکب تقصیر می‌شود؛

۲. شخص قصد اضرار یا تدلیس نسبت به شخص دیگر داشته باشد؛

۳. شخص حقی را علیه هدف اجتماعی آن به کار برد (بل و دیگران، ص ۳۶۴).

در برخی از نظامهای حقوقی نیز بین حقوق و منافع حمایت شده اشخاص و صرف منافع اقتصادی تفاوت قایل شده و نقض هر یک را از طریق اعمال حق شخص، مورد بررسی قرار داده‌اند (بار، ۵۶/۱).

ماده ۵ قانون مدنی مصر، استفاده از حق را در سه مورد زیر نامشروع می‌داند:

۱. وقتی که تنها قصد اضرار غیر وجود داشته باشد؛

۲. وقتی مصالح مورد غرض کم اهمیت باشد به نحوی که با ضرری که به غیر

می‌رسد تناسب ندارد؛

۳. وقتی که مصالح مورد غرض نامشروع باشد (سنهوری، ۸۴۱/۱؛ فرج،

صص ۳۸۰ و ۳۸۱).

ماده ۱۳۲ قانون مدنی ایران نیز غیر متعارف و خارج از نیاز بودن استفاده از حق را نوعی انحراف از حدود عرف تلقی کرده و آن را منشأ مسئولیت دانسته است. عین عبارت این قانون چنین است: «کسی نمی‌تواند در ملک خود تصرفی کند که مستلزم تضرر همسایه شود مگر تصرفی که به قدر متعارف و برای رفع حاجت یا دفع ضرر از

خود باشد.»

طبق برخی از نظریات حقوقی، سوء استفاده از حق در واقع روی دیگر قاعده حسن نیت است (بل و دیگران، ص ۳۱۳). به همین دلیل، دادگاههای فرانسه در مورد حق انحلال قرارداد به جهت عدم اجرا، به اصل اجرای با حسن نیت قرارداد استناد می کنند؛ در حالی که قبلاً بیشتر به سوء استفاده از حق استناد می گردید (همان، ص ۳۳۶).

در کشورهایی که مقررات خاصی برای قاعده سوء استفاده از حق وجود ندارد، از مفهوم عمومی تقصیر استفاده می شود (بار، ۵۷/۱). سوء استفاده از حق در حقوق خانواده، در موضوع نامزدی بیشترین مصداق را دارد. در حقوق کار، سوء استفاده از حق اعتصاب (روشها و هدفهای نامشروع)؛ و در حقوق قراردادها نیز خروج از مذاکرات مقدماتی، مصادیق متعددی از سوء استفاده از حق را ایجاد می کند (بل و دیگران، صص ۳۰۸، ۳۶۴ - ۳۶۵؛ بار، ۵۶/۱).

همان گونه که اشاره شد، در حقوق کامن لا این قاعده به شکل یک قاعده عمومی چندان مورد توجه نبوده و بطور کلی در برخی از تصمیمهای دادگاههای بین المللی مورد توجه قرار گرفته است (واکر، ص ۷).

در برخی از کنوانسیونهای بین المللی نیز به این قاعده توجه شده است. عنوان ماده ۱۷ قانون حقوق بشر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مصوب ۱۹۹۸ «منع سوء استفاده از حق» می باشد و در آن هر نوع تفسیری که منجر به از بین رفتن یا محدودیت حقوقی و آزادیهای مقرر در کنوانسیون شود، مردود دانسته شده است.^۱

۱. Human Rights ACT 1998 under The european convention on Human Rights:

[Article 17-Prohibition of abuse of rights: Nothing in this convention may be interpreted as implying for any state, group of prson any right to engage in any

Activity or perform any ACT aimed at the destruction of any of rights and

همچنین ماده ۳۰۰ کنوانسیون ملل متحد در حقوق دریایی، دولتهای طرف را ملزم به رعایت حسن نیت و منع سوء استفاده از حق نموده است.^۱

بررسی قرآنی

چنان که پیش از این بیان شد، معمولاً در مقایسه قاعده سوء استفاده از حق با قواعد حقوق اسلام، به قاعده لاضرر توجه می‌شود. این قاعده که از قواعد مسلم و مشهور فقهی است، از یک سو از نظر مفهومی مورد اختلاف قرار گرفته و استنباطهای مختلفی از مفاد و مفهوم قاعده ارائه شده است؛ از این رو، نظریه‌هایی مانند نهی از ضرر، نفی حکم ضرری و نفی موضوع به لسان نفی حکم و حکم حکومتی مطرح گردیده است. از سوی دیگر، معمولاً در ذکر مستندات قاعده به طور خاص به روایتها و بویژه به برخی از روایتها مانند روایت معروف سمره بن جندب، اشاره می‌شود.^۲

غالب کتابهای قواعد فقهی یا فقهی استدلالی، یا اساساً متعرض آیه‌های قرآن نشده‌اند یا در نهایت تنها به ذکر چند آیه (بدون توضیح و تفسیر) اشاره کرده‌اند، که در آنها از ماده ضرر استفاده شده است. این در حالی است که توجه و تأمل در آیه‌های مختلف قرآن نشان می‌دهد اضرار و فقدان حسن نیت در اجرای حقوق و نیز تجاوز از حدود مقرر در حقوق ممنوع اعلام شده است و قرآن کریم با استفاده از عبارتهای گوناگون توجه خود را به این نکات معطوف داشته و علاوه بر ماده ضرر، از واژه‌های

freedoms set forth here in or at their, imitation to a greater extent than is provided for in the convention.]

۱. United nations convention on the law of the sea: [article 300-good faith and abuse of rights] ...

۲. برای ملاحظه نظرها و منابع قاعده، رک: سیامک ره پیک، «مروری دوباره بر قاعده لاضرر و تأثیر آن بر ضرر متعهد»، فصلنامه دیدگاههای حقوقی، سال چهارم، شماره ۱۳ - ۱۴، ۱۳۷۸، ص ۳۵ به بعد.

دیگری مانند «معروف»، «تعدی» و مشتقات آنها نیز استفاده نموده است. در این مقاله، تعداد محدودی از آیه‌های قرآن که در آنها به موضوع منع اضرار و قصد اضرار به غیر و منع عدم رعایت حسن نیت اشاره شده است، بطور اختصار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. قصد اضرار

در آیه‌هایی از قرآن، به مسئله ممنوعیت قصد اضرار غیر توجه شده است. در برخی از آیه‌ها از ماده ضرر و مشتقات آن استفاده شده و در برخی دیگر کلماتی مانند معروف به کار رفته است.

الف) سورة بقره، آیه ۱۸۰

کتب علیکم اذا حضر احدکم الموت ان ترکَ خیراً الوصیة للوالدین و الأقربین بالمعروف

در مورد وصیت به معروف، احتمالهای مختلفی مطرح شده است که از جمله آنها وصیتی است که در آن به ورثه ضرر وارد نشود. ضرر نوعی در این مورد، وصیت مازاد بر ثلث است؛ اما بنابر اعتقاد برخی از مفسران، در صورتی که ورثه فقیر باشند، حتی وصیت کمتر از ثلث نیز می‌تواند نوعی اضرار تلقی شود (فاضل مقداد، ۹۱/۲) که ممنوع است.

ب) سورة نساء، آیه ۱۲

... من بعد وصیة یوصی بها اودین غیر مضار

در این آیه نیز قید «غیرمضار» برای عبارت «یوصی بها» ذکر شده است. مقصود آن است که وصیت نباید به قصد ضرر بر وارث و محروم کردن وی از ارث انجام شود؛ مانند آنکه به بیش از ثلث مال وصیت شود یا موصی، به دینی اقرار کند که واقعیت ندارد (فاضل مقداد، ۳۳۱/۲) به طور کلی وصیتی که به قصد و اراده اضرار به وارث

صورت گیرد ممنوع می‌باشد. (طبرسی، ۲۳۲/۱؛ طباطبایی، ۲۱۲/۴)

ج) سوره بقره، آیه ۲۲۹

الطلاق مرتان فامساک بمعروف او تسریح باحسان و لا یحل لکم ان تأخذوا مما آتیموهن شیئاً الا ان یخافا الا یتیما حدود الله فلا جناح علیهما فیما افتدت به ...
بیان کلی آیه در خصوص نحوه اجرای حق طلاق توسط مرد، به خوبی به قاعده اجرای با حسن نیت و منع سوء استفاده و اجرای نامناسب حق توجه دارد؛ زیرا با توجه به شرایط موجود بین زوجین، ممکن است نگهداشتن و رجوع به زن یا عدم رجوع و تسریع به قصد اضرار و بدون حسن نیت باشد و این نوع استفاده از حق ممنوع اعلام شده است.

برای مثال، ممکن است مرد، زن خود را طلاق دهد و تا پایان مدت عده صبر کند و به او مراجعه نماید و دوباره او را طلاق دهد و سپس رجوع کند و قصد مرد در این کار اذیت و اضرار وی باشد. این نوع اقدامها از طرف مرد منهی و ممنوع است (همان، ۲۳۳/۲). همچنین، ممکن است مرد از این طریق قصد دریافت مهر را داشته باشد که چنین انگیزه و قصدی نیز منع گردیده است مگر آنکه اقدام به چنین امری برای رعایت مصالح و قانون باشد که در این صورت مطالبه مهریه یا بخشی از آن، مجاز تلقی شده است.

د) سوره بقره، آیه ۲۳۱

و اذا طلقتم النساء فبلغن اجلهن فامسکوهن بمعروف او سرحوهن بمعروف و لا تمسکوهن ضراراً لتعتدوا و من یفعل ذلک فقد ظلم نفسه ...
مضمون این آیه شریفه نیز مانند آیه قبلی است. مقصود از امساک یا تسریح به معروف آن است که مرد در اعمال حقوق خود پس از طلاق به نحوی عمل کند که موجبات ضرر و مخالفت با قوانین الهی را ایجاد ننماید (فاضل مقداد، ۲۸۲/۲). در این آیه، علاوه بر مطالب آیه قبل، عبارتی نیز اضافه شده است که صریحاً نگهداشتن رابطه

زوجیت یا به تعبیر دیگر رجوع اضرائی را ممنوع نموده و در ادامه نیز این نوع قصد را ظلم و تعدی تلقی کرده است. برای مثال، مرد حق ندارد پس از طلاق، به قصد اضرار رجوع کند؛ مانند قصد کم کردن از نفقه یا مسکن، یا طولانی کردن مدت زوجیت یا مجبور کردن زن به پرداخت مهریه و مشابه آن (طبرسی، ۱۲۷/۱). نکته قابل توجه آن است که نفس قصد اضرار تخلف محسوب می‌شود و ممکن است در عالم خارج نیز از نظر مادی ظهور خاصی وجود نداشته باشد و در واقع قصد اضرار، مستقیم یا غیرمستقیم از آثار آینده عمل احراز شود (طباطبایی، ۲۴۲/۲).

هـ) سوره بقره، آیه ۲۳۲

و اذا طلقتم النساء فبلغن اجلهنّ فال تعضوهنّ ان ینکحنّ ازواجهنّ اذا تراضوا بینهم بالمعروف ...

در این آیه شریفه نیز مصداقی از سوء استفاده در اجرای حق مطرح شده است. ظاهر آیه آن است که اولیا و سرپرستان را در مورد منع زن از ازدواج با شوهر پس از طلاق با قصد لجاجت و به انگیزه دشمنی نهی کرده است (همان، ۲۳۷/۲). البته، ممکن است احتمالهای دیگری نیز قابل طرح باشد، مانند آنکه مرد در نزدیکی پایان مدت عدّه، به زن رجوع کند اما نه به قصد رغبت و رجوع واقعی، بلکه به قصد اضرار و جلوگیری از ازدواج زن پس از عدّه (فاضل مقداد، ۲۸۲/۲ - ۲۸۳). چنین عملی منع شده است.

در هر حال، وجه مشترک احتمالهای مختلف، منع اضرار و سوء استفاده از حق است. اگر چه موضوع این آیه و آیةهای مشابه، موضوع طلاق است؛ اما دقت در مفاد آن نشان می‌دهد که قاعده منع اضرار مورد توجه بوده است و بطور کلی بر اساس آیةهای قرآن، اجرای حق محدودیتهایی دارد که این محدودیتها بر اساس مصالح و اغراض اساسی و بنیادین احکام و مقررات تنظیم می‌گردد (طباطبایی، ۲۳۳/۲).

(و) سوره طلاق، آیه ۲

فاذا بلغن اجلهن فامسکوهن بمعروف او فارقوهن بمعروف
مفاد این آیه در آیه‌های قبل نیز مطرح شده و بطور کلی حق رجوع یا عدم رجوع
و تفرق را در حد معروف و به دور از اضرار تأیید نموده است (فاضل مقداد، ۲۵۳/۲).

(ز) سوره طلاق، آیه ۶

اسکوهن من حیث سکتتم من وجدکم و لا تضاروهن لتضیقوا علیهن.
این آیه شریفه مرد را موظف نموده است تا در دوران عده، پس از طلاق، مسکنی
را در اختیار زن قرار دهد. تعیین چگونگی و کیفیت مسکن، به توانایی و وضع مرد نیز
بستگی دارد؛ یعنی در این جهت مرد دارای اختیارها و حقوقی است؛ اما وی نمی‌تواند
از این اختیار به قصد اضرار و در مضیقه قرار دادن زن استفاده کند، مانند آنکه مسکن
پر سر و صدا، مسکن بسیار کوچک یا محل نامناسبی را در اختیار زن قرار دهد. ممکن
است با توجه به آیه‌های دیگر قرآن، هدف مرد از اضرار و تضییق، گذشت زن از مهریه
و مانند آن باشد که در هر حال چنین قصد و اقدامی ممنوع است. همچنین، با توجه به
عموم اضرار و تضییق در آیه، احتمال دارد صرف نظر از قسمت اول آیه در خصوص
مسکن، بطور کلی اضرار و در تنگنا قرار دادن نهی شده باشد (طبرسی، ۳۱۱/۴).

(ح) سوره نساء، آیه ۲۴

یا ایها الذین آمنوا لا یحل لکم ان ترثوا النساء کرهاً و لا تعضلوهن لتذهبوا ببعض
ما آتیتموهن.

در این آیه شریفه، دو مصداق از مصادیق اضرار مطرح شده است. در بخش اول،
خداوند مردان را از ارث بردن به طریق اکراهی منع نموده است؛ برای مثال، مرد با
وجود بی‌میلی به زن او را طلاق نمی‌دهد و حقوق وی را نیز ادا نمی‌کند به امید آنکه
زن از دنیا برود و اموال او به مرد برسد (فاضل مقداد، ۲۸۷/۲).

در بخش دوم آیه نیز مردان را از هر نوع حبس و منع زن - ولو در مواردی که مرد

حق دارد - به قصد اضرار نهی کرده است، مصداق قصد اضرار در این آیه شریفه، گرفتن بخشی از مهریه ذکر شده است (همان، ۲۸۷/۲). همان گونه که در آیه‌های قبلی نیز ذکر شد، یکی از مصادیق عضل و منع، رجوع مرد در انتهای زمان عده برای جلوگیری از ازدواج زن با شخص دیگر است.

۲. رعایت حسن نیت

در بسیاری از آیه‌های قرآن، تعبیر معروف به معنای حسن نیت به کار رفته است. امروزه رعایت اصول حسن نیت در اجرای حقوق و تعهدات، کاملاً مورد توجه قرار می‌گیرد و نقض این اصل می‌تواند آثار حقوقی به دنبال داشته باشد. ذکر تمام آیه‌هایی که این تعبیر یا تعبیر مشابه در آن به کار رفته است، در این مجال نمی‌گنجد.

در تعدادی از آیه‌های قرآن که در بند گذشته یعنی قصد اضرار طرح شد، تعبیر معروف نیز به کار رفته بود و برخی از مفسران، غیرمعموف را به قصد اضرار یا اضرار تفسیر نموده بودند. به تعبیر برخی از مفسران، معروف چیزی است که در نزد عقلا به عنوان امری که در آن ظلم و انحراف وجود ندارد شناخته می‌شود (طبرسی، ۱۰۲/۱).

بنابراین، برای مثال، در آیه ۱۸۰ سوره بقره در خصوص وصیت به معروف، لازم است موصی در حدود منطقی و عرف عقلائی و بدون اجحاف و سوء نیت عمل نماید. همچنین، در مورد آیه‌هایی که رجوع یا تفرق از طلاق رجعی مقید به معروف شده است، مقصود آن است که اعمال حق به قصد متعارف و با حسن نیت صورت گیرد، به نحوی که غرض حکم شارع و مقصود او از بین نرود (طباطبایی، ۲۳۴/۲).

در آیه ۱۸۷ سوره بقره نیز پس از اعلام حق قصاص، به عفو از قصاص اشاره و پس از آن فرموده است: فاتباع بالمعروف و اداء الیه باحسان.

در این بخش از آیه، هم در اجرای حق برای اولیای مقتول و هم در اجرای تعهد برای قاتل، قید حسن نیت مورد توجه قرار گرفته است. از یک سو، اولیای مقتول را در

گرفتن دیه مکلف نموده است که با فشار و اجبار غیرمتعارف درخواست نکنند و دیه را با حسن نیت مطالبه کنند، و از سوی دیگر، قاتل را موظف به رعایت حسن نیت در اجرای تعهد پرداخت دیه نموده و وی را از اعمالی مانند معطل کردن آنها یا کم کردن از دیه و مشابه آن بر حذر داشته است (طبرسی، ۱۰۱/۱).

برخی از نویسندگان از تعبیر احسان در بسیاری از آیه‌ها برای توجیه قاعده منع سوء استفاده از حق بهره گرفته‌اند. برای مثال، در آیه ۹۰ از سوره نحل، به عدل و احسان امر شده است و در آیه ۳۶ از سوره نساء به احسان در مورد همسایگان توصیه می‌شود که از مفهوم آنها منع سوء استفاده از حق استنباط می‌گردد (ریاض، صص ۲۳۸ و ۲۴۱).

۳. اغراض و مقاصد احکام

همان گونه که در نظامهای جدید حقوقی، خروج از حدود اجتماعی مورد نظر در مقررات و قوانین، نوعی سوء استفاده از حق تلقی می‌شود، در بین تفسیرهای آیه‌های گذشته نیز نظریات مشابهی طرح گردیده است. به اعتقاد برخی از مفسران، تقیید برخی از آیه‌ها به معروف یا احسان، بدین دلیل است که آنچه مورد از بین رفتن غرض و مقصود حکم تشریح شده می‌گردد، نفی شود (طباطبایی، ۲۳۴/۲).

از طرف دیگر، در آیه‌های مورد نظر، بین احکام فقهی و اصول اخلاقی جمع شده است؛ بنابراین اکتفا به صرف احکام فقهی و جمود به ظواهر، موجب از میان رفتن مصالح تشریح و اغراض دین و سعادت حیات انسان خواهد بود (همان، ۲۳۵/۲).

نتیجه‌گیری

اگر چه قاعده منع سوء استفاده از حق و مبانی آن در حقوق جدید مورد توجه قرار گرفته است، اما مسلماً منابع حقوق اسلام، بخصوص قرآن کریم، پیش از

نظریه‌های مدوّن حقوقی، مبانی گوناگونی همچون اصل منع اضرار و اصل حسن نیت حدود اجرای حقوق و تعهدات را بطور شفاف بیان نموده است. به اعتقاد برخی از نویسندگان، بین بسیاری از قواعد فقهی و نظریه‌های حقوق غربی - از جمله سوء استفاده از حق - شباهت وجود دارد و دلیل این امر استفاده حقوق غرب از مبانی و اصول فقه اسلامی است (سراج، ص ۱۶). فقها در خصوص این قاعده و بسیاری از قواعد دیگر کمتر به آیه‌های قرآن توجه نموده‌اند و لازم است بیش از پیش به کشف و تحلیل قواعد حقوقی قرآنی و تبدیل آنها به نظریه‌هایی کامل، همت گمارند.

منابع

- احمدی بهرامی، حمید؛ *سوء استفاده از حق*، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۶۶.
- ره پیک، سیامک؛ «مروری دوباره بر قاعده لاضرر و تأثیر آن بر ضرر متعهد»، *فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی*، سال چهارم، شماره ۱۳ - ۱۴، ۱۳۷۸.
- ریاض، محمد؛ «اصول نظریه التعسف فی استعمال الحق فی الشریعة الاسلامیة»، *الجامعة الاسلامیة*، عدد ۲۲، مغرب، ۱۴۰۹ق.
- سراج، محمد عبدالهادی؛ «تأثیر الفقه الاسلامی فی القانون الانجلیزی»، *دراسات عربیة و الاسلامیة*، عدد ۳، مصر، ۱۴۰۴ / ۱۹۸۴م.
- السنهوری، عبدالرزاق؛ *الوسیط فی شرح القانون المدنی*، ج ۱، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
- السیوری، جمال الدین مقداد بن عبدالله؛ *کنز العرفان فی فقه القرآن*، ج ۲، مکتبه المرتضویة، تهران، ۱۳۴۳.
- طباطبایی، سید محمد حسین؛ *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۴ و ۲، منشورات جماعه المدرسین فی الحوزة العلمیة، قم، بی تا.
- الطبرسی، الفضل بن الحسن؛ *جوامع الجامع*، مقدمه و تصحیح و تعلیقات: ابوالقاسم گرجی، ج ۱، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران و مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۶۷. نیز: ج ۴، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران و سازمان سمت، ۱۳۷۸.
- فرج، توفیق حسن؛ *النظریة العامة للدار الجامعیة*، بیروت، ۱۹۸۸.

زمستان ۸۲ منع سوء استفاده از حق در نظریه های حقوقی و مفاهیم
قرآنی ۷۷

– کاتوزیان، ناصر؛ مسئولیت قهری – ضمان قهری، چاپ اول، دهخدا، تهران، ۱۳۶۲.

– Christian, von bar; *The common european law of torts*, vol. L, Clarendon Press, 1998.

– David M. Walker; *The oxford companion to law*, Clarendon Press oxford, 1980.

– John Bell, Sophie Boyron, Simon whittaker; *Principle of frenchlaw*, oxford University Press, 1998.